

قرار نیست همه چیز به «خاطره» تبدیل شود

نگذاریم نهادها و موسسه‌های دولتی وظایف ما را تغییر دهند

قرار نیست همه چیز به خاطره تبدیل شود. قرار نیست همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها سینه‌به‌سینه نقل شوند و نسل بعد از زبان نسل قبل بشنوند.

قرار بر استمرار است، انتقال یک سنت از پدر و مادر به فرزندان، از یک خانه به چند خانه دیگر. قرار بر تکثیر است، نه محدود کردن و محدود شدن.

باز هم نباید بگذاریم پای نهادها و موسسه‌های دولتی وسط بیاید. اصل کار به دست مردم است: مردم محله، فامیل و اعضای خانواده.

ما روزهای خوب جلسات خانگی قرآن را به خاطر داریم، روزهایی که به ذوق جلسه قرآن، اتاق‌ها را مرتب می‌کردیم و فنجان‌ها را از جعبه در می‌آوردیم و قندان‌ها را پر می‌کردیم، حیاط را آب و جارو می‌زدیم، زیباترین پیراهن‌هایمان را می‌پوشدیم و هر کدام منتظر لحظه‌ای بودیم که مسئولیت‌مان را درست و بجا انجام دهیم.

یکی چای‌ریز بود و یکی پای ظرف‌شویی و یکی آمار بگیر میهمان‌هایی که یکی یکی و دوتا دوتا می‌رسیدند و باید پذیرایی می‌شدند.

پذیرایی چه بود؟ چای و خرما و نقل و کیک‌هایی که شب قبل مادر در کیک‌پز پخته بود و شاید ویفرهایی که در خانه درست کرده بود و شاید یک دیس حلوا.

این‌ها سنت‌های خانگی هستند، نه بخشی از خاطرات یک نسل. سنت باید تکثیر شود که بماند. از هر خانه چهار یا پنج فرزند به ثمر می‌رسند و بجاست که هر کدام همین رسم را در خانه‌شان راه بیندازند.

حتما که نباید دورتادور اتاق پذیرایی آدم بنشیند. با پنج شش نفر هم می‌شود یک روزه خانگی ماهانه داشت، یک روزه‌خوان بیاید یا دوره قرآن باشد و جلسه ماهانه یا هفتگی که در خانه‌ها بچرخد و همه با قرآن انس بگیرند. برکت این جلسه‌ها را نمی‌توان شمرد.

صله رحم و خبر گرفتن از احوال نزدیکان اولین اثرش بود، شناخت واقعی آدم‌ها که دختردارها و پسردارها را برای یافتن مورد مناسب ازدواج یاری می‌کرد، شناختی که همه‌جانبه بود و آرام آرام به دست می‌آمد و وصلت‌هایی محکم شکل می‌گرفت.

اگر مشکلی برای یک نفر پیش می‌آمد، این جلسات نقش شورای حل اختلاف را داشت و اگر مسئله مالی بود، صندوق قرض الحسنه نانوشت و ثبت نشده مشکل را حل می‌کرد، بدون سپرده و ضامن و پرونده.

چه غصه‌ها که از دل مادرها پر می‌کشید و چه شادی‌ها که نصیب کودکان می‌شد و چه بارهایی که از دوش پدرها برداشته می‌شد.

جلساتی داریم با قدمت ۱۰۰ سال و ۵۰ سال. چندین نسل پای همین جلسات بزرگ شدند و به کمال رسیدند.

اینکه فضای مجازی به جای ارتقای فکر و اندیشه و علم به عرصه جلوه‌گری‌ها و مانور



عکس: سنا ز صفایی / شورا

بگذارند، زمانه هم دوباره عوض می‌شود. گسست‌های خرد اجتماعی آغاز گسیختن شیرازه یک ملت است و برای پر کردن این رگه‌های ریز باید برای احیا و تکثیر پیوندهای خرد اقدام کرد. جلسات روزه خانگی، دوره‌های قرآن محله، قرآن خوانی‌های روزانه و چرخشی ماه رمضان و مراسم شب‌های قدر در منازل هم مورد نیاز روح و روان آدم امروز هستند هم باعث محکم شدن و متراکم شدن بافت اجتماعی.

راه‌رهایی از دنیای غیرواقعی برگشت به دنیای واقعی و ترمیم روابط است. ماه رمضان شروع خوبی برای احیای جلسات خانگی است. در کنار شناساندن مؤلفه‌های زندگی عصر ارتباطات به نسل‌های نو، اصل ارتباط با مفاهیم و سنت‌های ملی و مذهبی را هم مهم بدانیم و حتی مهم‌تر. مشارکت و دور هم جمع شدن اعضای خانواده در یک اتفاق شیرین خانوادگی را تجربه کنیم. اگر فکر می‌کنیم از هم فاصله گرفته‌ایم، از تجربه تاریخی ایرانی‌مان در باب جمع شدن و حرف زدن و تقسیم وظایف و تمهید مقدمات و اجرای این مراسم پاک خانواده استفاده کنیم.

دخترهای خانواده مسئول لوازم پذیرایی، پسرها مسئول خرید، پدرها هماهنگ‌کننده سخنران، مادرها مدیریت کامل جلسه، عمه‌ها و خاله‌ها هر کدام یک قسمت کار، دایی‌ها و عموها کنار دست پدر و

شور و هیجان برگزار کردن یک روزه خانگی را برای فرزندانمان تکرار کنیم. فرزندانمان نباید در حسرت خاطرات ما بمانند و آه بکشند و آرزوی روزهایی را داشته باشند که با همت ما می‌توانند به راحتی تکرار شوند.

چراغ جلسات خانگی را روشن کنیم حتی با یک فنجان چای و یک قندان نقل سفید و بوی اسپند. چیز زیادی نمی‌خواهد. ما را می‌خواهد و همت ما. خاطره‌ها را زنده کنیم. این وظیفه ماست و حق فرزندانمان.

دادن‌ها تبدیل شده است، یک جنبه‌اش به دلیل نبودن همین جلسات خانگی است. این البته آسیب است که فضای جلسات و دوره‌های خانگی مستعد جلوه‌گری است اما اگر جلوه‌گری هم هست، واقعی است و دروغ و مکر و فریب نیست. چه بسا دیده شدن در یک جمع خانگی و محلی و بین آدم‌های واقعی و شنیدن تمجید و تعریف‌هایشان، هوای جلوه‌های دروغین مجازی را از سر انسان به در کند و به یک زندگی واقعی و شیرین برگردد.

همه خسته‌اند از آدم‌های بزرگ شده، از زندگی‌های بزرگ شده، از آدم‌هایی که دارند شکل هم می‌شوند، لباس‌هایشان، چهره‌هایشان، خوردنی‌هایشان و حتی حرف‌زدنشان، آدم‌هایی که واقعیتشان با فیلم‌هایشان فرق می‌کند. جلسه‌های خانگی همه چیزش واقعی است: آدم‌هایش، زندگی‌شان، چهره‌هایشان، خوردنی‌هایشان و حرف‌زدنشان.

مشکل امروز ارتباط است. ارتباطات ضعیف اجتماعی در عصر ارتباطات یک تناقض دردآور است. ارتباطات در بافت جامعه باید شکل بگیرد، نه بین صفحات مجازی. آنکه دنبال کنندگان بیشتری دارد ارتباطات بیشترش است یا آنکه بین اهل محل و بستگان بیشتر محل رجوع است؟ من می‌گویم ارتباطات غیرواقعی و مجازی لزوما ارتباط نیست. شبه‌ارتباط است. کسی که از حال و روز همسایه و فامیل بی‌خبر است چطور ادعا می‌کند اهل روابط اجتماعی است؟ روابط اجتماعی مسئله حل‌کن است و روابط مجازی اصولاً بی‌مسئولیت. ارتباطات مجازی باید و می‌تواند کمک‌کننده روابط اجتماعی باشد، نه جایگزین آن.

نگوییم زمانه عوض شده است و دیگر نمی‌شود مثل گذشته بود که می‌گویم زمانه را آدم‌های زمانه می‌سازند. اگر آدم‌ها تنبلی و بی‌حالی و بی‌حوصلگی و بد اخلاقی را کنار

شور

شهربانو

۲۳ شهریور
۱۴۰۱
شماره ۲۴۵۰

(۳)



مریم قربانزاده
نویسنده

خورشید